



شهناز، کسایی، رضا کسایی، تاج، سارنج، درگاهی

**استاد تاج اصفهانی
در ادب، نجابت،
انسانیت و افتادگی
زبانزد خاص و عام
است؛ مردی که گاه
حتی به درخواست
یک کاسب
معمولی لب به آواز
می گشود و خود،
هنر و زندگی اش
را وقف مردم کرده
بود و می شود او
را مصداق مناسبی
برای هنرمند مردمی
دانست. افسوس
که کمرنگ شدن
این خصوصیات و
فضیلت ها، بیماری
ملال آوری است که
جامعه هنری امروز
ما را می رنجاند**

بس نکته غیر حسن ببايد که تا کسی
مقبول طبع مردم صاحب نظر شود

لازم می دانم در ذکر خصوصیات استاد تاج اصفهانی که
امروزه به عنوان الگویی مناسب و برجسته در آواز شناخته
شده است، اشاراتی داشته باشم که شاید حرف جدیدی
نباشد ولی ذکر چندین باره آن در روزگاری که بعضی از
آلودگی های صوتی (به نام موسیقی) گوشها را آزار می دهد،
خالی از لطف نیست.

مؤانست با ادبیات و شعر

یک گوینده و خواننده برای آنکه بتواند در حالاتی خاص
و شرایطی ویژه، بهترین کلام و مناسب ترین سخن را ارائه
کند، باید در حافظه خود گنجینه ای از گزیده ترین ابیات و
سخن ها را داشته باشد و با سیری سریع آنها را به استخدام
آواز درآورد و ارائه دهد که تنها حفظ کردن آنها کافی نیست
و باید معنی آن را دریابد و برای پی بردن به عمق معنای
شعر، ساعتها با آن مؤانست و مجالست ذهنی کند تا به
دنیای عمیق آن راه یابد.

آواز، روخوانی ساده شعر نیست که به اعتقاد من باید به
این معنای عمیق نزدیک شود که استاد بزرگ، دکتر شفیعی
کدکنی، در تعریف شعر دارد: «شعر رستاخیز کلمات است!»
و به نظر این شاگرد کوچک مکتب دکتر شفیعی بزرگ «آواز
هم رستاخیز کلام است.» یعنی جان بخشیدن به کلمات
بی زبان.

بنده، آواز را متعالی ترین بخش موسیقی می دانم و برای
آن، تعابیر دیگری هم قائلم. آواز تولید شهدی گوارا شاید از
تلخ ترین کلمات هم باشد، کاری که زنبور عسل می کند.
اگر تنها یک بار گرده گلی را چشیده باشید، درخواهید یافت
که بسیار نامطبوع است ولی هنر زنبور عسل آن است که
این گرده ها را از روی گلها برمی چیند و وارد هاضمه خود
می کند و پس از انفعالاتی، آن را وارد شش ضلعی های
منظمی به نام شان عسل می کند که وقتی ما مصرف
می کنیم، از شهد آن سرشار لذت های بی نظیر می شویم.

با این تعبیر، هاضمه معنایی خواننده، انتخاب شعر مناسب
و درونی کردن آن از طریق درک معنا و ظرفیت های زبانی و
معنوی شعر شامل صنایع لفظی و معنوی اثر و تحویل دادن
هنرمندانه آن به شنونده برای انتقال معنای کلام است که
این مهم، نقطه تفاوت و تمایز خوانندگان خوب از دیگران
است و استاد تاج اصفهانی یکی از آن بزرگان بوده است.

تسلط در تلفیق شعر و موسیقی

خواننده ای توان تلفیق شعر و موسیقی را دارد که علاوه بر
شرط نخستی که ذکر شد، یعنی شناخت شعر، تسلط لازم
بر گوشه ها و دستگاه های موسیقی داشته باشد و به بیان
دیگر، حتی ذوق آهنگسازی هم داشته باشد و در یک اجرا،
با بهره گیری از این قریحه بتواند به شکل بداهه و به فراخور
مجلس، حس جدیدتری ارائه کند و اگر قرار است در طول
سال، بیست بار آواز سه گاه بخواند همه شبیه به هم نباشد؛
زیرا اگر بیست بار یک غزل را در گوشه های تعریف شده
عین هم بخواند، دیگر آواز خوانی که نه، ردیف خوانی است و
هنر نیست، بلکه صنعت است. تفاوت هنر و صنعت در همین
ظرافت هایی است که در وجود هنرمندان است. البته این به
این معنا نیست که مرتبه ردیف خوانی، مرتبه ای نازل است،
که شرط لازم برای خوانندگی است ولی شرط کافی نیست.
رعایت فراز و فرودها، درک سر ضربها و تکیه های درست
و به کارگیری بموقع و به اندازه تحریرها، از خصوصیات اصلی
یک خواننده موفق است که می شود همان کلام دقیق و
عمیق زنده یاد استاد سید عبدالرحیم اصفهانی به شاگردش
استاد فقید جاویدنام، جلال تاج اصفهانی، فرزند شیخ
اسماعیل ملقب به تاج الواعظین که: «تاج زاده! اول تحویل و
بعد تحریر.» که جان کلام است و اینکه خواننده باید مطلب
شعر را به مخاطب تحویل دهد و بعد به تزئینات دیگری
چون تحریر مشغول شود و مانند خوشنویسی هنرمند، خط
را که ارائه کرد، به تذهیب آن بپردازد و این که بدانند در چه
جایی و برای چه مخاطبی و در چه دستگاهی، چه تحریری
ارائه دهد، وجه تمایز خوانندگان پیرو مکتب اصفهان است
که به آن «مناسب خوانی» می گویند.

کشف ملودی شعر و تنوع در آن

آهنگساز و خواننده هوشمند با تسلط بر وزن شعر، یعنی علم عروض می تواند آهنگ نهفته در آن را کشف کند و به شکل شیرین تری ارائه نماید. بی تردید بسیاری از شاعران خوب و بزرگ، موسیقی را می شناخته اند و حتی بعضی از آنها نوازنده و خواننده بوده اند؛

غزلسرای ناهید صرفه ای نبرد
در آن «مقام» که حافظ برآورد «آواز»

همچنین شناخت وزن شعر، قافیه و معنای شعر به استفاده درست خواننده از ادوات تحریر (مثل خدای من، محبوب من، دوست، داد، امان، حبیب من، و...) هم کمک می کند که باید متناسب با شعری باشد که خواننده می خواند. از خواننده ای صاحب نام که الآن هم می خواند، روزی شنیدم که در پایان تحریری گفت: «دا.....خ» که می خواست بگوید: «داد» ولی من در لغت نامه های فارسی، معنایی برای «داخ» نیافتم. حالا شانس آوردیم که کلماتی چون شاخ و ... را به کار نبرد. این نکته، همان مدیریت کلام است و یک خواننده به طور کلی باید آواز خود را مدیریت کند که این جزوی از آن است. مثل بعضی از گوینده ها که شروع به سخن می کنند و آنقدر پراکنده گویی می کنند و جملات بلند بکار می برند، که نمی توانند فعلی مناسب به کار گیرند و در نتیجه، حاصل آن تلاش بی ثمر و نامناسب می شود که خود سرفصل دیگری با عنوان جمله بندی است.

جمله بندی های مناسب هماهنگ با جواب آواز

جمله در فارسی، دارای معنای خاصی است و شامل فاعل، مفعول و فعل می شود؛ بعضی از ارکان جمله، اصلی و برخی از آنها مکمل جمله اند از جمله: قید، صفت، حروف اضافه و ... که شاعر برای پدید آوردن هنرمندانه آن، تلاش بسیاری می کند تا با معماری کلمات، معنایی زیبا بیافریند که خواننده باید آن را دریابد و درونی کند و در جمله بندی آوازی خود نیز آن را رعایت کند؛ بنابراین، کاری سخت تر از شاعر دارد. مثلاً سوالی خواندن یک بیت یا مصراع در آواز، به ویژه در آهنگسازی و ملودی پردازی سخت، و گاه غیرممکن است که کار خواننده را دشوار می کند؛ گاه با سکوت ها و یا تأکیدهای هنرمندانه در ملودی و یا آواز می شود آن را جامعه عمل پوشاند. شناخت نوازنده همراه که جواب آواز می دهد و هماهنگی با او، از مهم ترین نکات قابل توجه برای یک خواننده حرفه ای است. سوال و جواب های ساز و آوازی و واکنش مناسب به همراه آواز، به شیرینی اجرا کمک می کند که این مسأله حتی در دنوازی ها و یا چهار مضراب ها هم صدق می کند. اجرای استادان هنرمندی چون «شهناز»، «کسای» و... نمونه های بی نظیر از این جمله اند که هیچ ساز را وابستگی به دیگری

نیست و به خاطر درونی شدن این احساس به جای وابستگی به هم، این آثار به پیوستگی رسیده اند؛ پیش از این در جایی عنوان کرده بودم که در بسیاری از این دنوازی های این دو دُرْدانه موسیقی، یعنی استاد کسای و استاد شهناز، سبقت نه با تار است و نه با نی، که این دنوازی های بی مثال، حاصل ساز همدل و هم کوکی به نام «نی تار» است.

مجالست، مؤانست و اشتراکات روحی و زیستی بزرگانی چون تاج اصفهانی، جلیل شهناز و حسن کسای با یکدیگر، از ایشان آثاری به جا گذاشته است که نظیری در تاریخ موسیقی ندارد. این بزرگان پیش از کوک سازها و انتخاب گوشه ها و دستگاه ها، ساز دل خود را کوک می کردند و پیش از هم کوکی، هم دل می شدند و آثار خود را در پرده های حیا و مهربانی ارائه می کردند که سرشار از نجابت، زیبایی و صلابت است.

ابداع و خلاقیت آوازی

پیش از این گفته شد که خواندن یک شعر خاص در یک دستگاه با گوشه های تعریف شده و فراز و فرودهای مشخص، کار ردیف دانها و ردیف خوانها است که بسیار هم مهم است ولی خواننده حرفه ای آن است که در ارائه آواز، ولو در یک دستگاه، شعرهای دیگری به کارگیرد و از ادوات مناسب در مجلس بهره مند شود و گوشه های مورد نظر را با ملودی های ابداعی ارائه نماید و با تکیه های مناسب و سنجیده، آوازی مناسب ارائه کند تا مخاطب آواز، حس تازه و نویی را تجربه کند و از آن لذت ببرد و به جای تکرار مکررات، شاهد بداهه پردازی و بداهه خوانی باشد که البته کار سختی است و از عهده بزرگانی چون تاج برمی آید. از جمله خصوصیات بارزی که در خصوص استاد تاج اصفهانی جملگی برآند و بسیار هم مهم است حُسن خلق، نجابت و افتادگی است که به تعبیر حافظ از اسباب بزرگی است.

مخاطب هرگز دوست ندارد تا از هنرمند مورد علاقه اش یا گوینده و خواننده مورد پسندش که همواره از او گزیده ترین کلمات و جملات را شنیده است، سخن ناروا، رفتار نامناسب و عملی ناشایست ببیند.

استاد تاج اصفهانی در ادب، نجابت، انسانیت و افتادگی زبانزد خاص و عام است؛ مردی که گاه حتی به درخواست یک کاسب معمولی لب به آواز می گشود و خود، هنر و زندگی اش را وقف مردم کرده بود و می شود او را مصداق مناسبی برای هنرمند مردمی دانست. افسوس که کمرنگ شدن این خصوصیات و فضیلت ها، بیماری ملال آوری است که جامعه هنری امروز ما را می رنجاند.

روحش شاد و یادش گرامی

تهران - خزان ۱۳۹۰

استاد علی تجویدی: تاج اصفهانی از چهره های درخشان عالم هنر خوانندگی است که شاید سالیهای دراز مادر دهر چنان فرزندی نزیابد. او صرف نظر از هنر و هنرمندی واجد صفات برجسته ای بود. مکارم اخلاقی او از مناعت طبع و بزرگ منشی و وارستگی گرفته تا ظرافت طبع و خوش صحبتی، همه دست به دست هم داده و انسانی نمونه بوجود آوردند.

تاج

شماره ۲۷ / صفحه ۸۲